زنده باد روز اول ماه مه، روز بین المللی کارگران!

دورهٔ ششم — اسفند ۱۳۴۹ - فروردین ۱۹۵۰ — شماره شصت و نهم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

صد سال از کمون پاریس میگذرد

(۱۹۷۱ — ۱۸۷۱)

صد سال پیش در بهار سال ۱۸۷۱ (مارس ۱۸۷۱) پرولتاریای فرانسه دست به نخستین انقلاب پرلتری زد و نخستین حاکمیت کارگری تاریخ جهان را بنام «کمون» در شهر پاریس مستقر ساخت و آنرا مدت هفتاد و دو روز در دست داشت و سپس در مقابل هجوم نیرو های ارتجاع که از ورسای به پاریس بنام استقرار «نظم و امنیت» حمله‌ور شده بودند از پای در آمدو در یك نبرد قهرمانانه آخرین رزمندگانش در پای دیوار گورستان «پرلاشز» بخون کشیده شدند.

لنین میگوید: «منظره زندگی و مرگ کمون منظره یك دولت کارگری که یك پایتخت جهانی را بتصرف خویش درآورد و آنرا بیش از دو ماه در یك تصرف داشت، منظره پیکار قهرمانانه پرلتاریا و رنجهای وی

بقیه در صفحه ۲

برخیز ای داغ نفرت خورده!
سرود انترناسیونال - اثر ذنش آلمانی فرانس مازه رل (سراینده شعر سرود پرلتاری انترناسیونال اژن پتیه شاعر کمون است.)

کنگره بیست و چهارم

حزب کمونیست اتحاد شوروی - تجلی گاه دستاورد های عظیم مادی و معنوی مردم شوروی

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۳۰ مارس گذشته نخستین جلسه خود را تشکیل داد و در ۹ آوریل با موفقیت کار خود را بپایان رساند. نزدیك به پنجهزار تن از برگزیدگان چهارده میلیون کمونیست شوروی در عالیترین مجمع حزب نتایج فعالیت چند سال اخیر حزب و مردم شوروی را جمع بندی کردند و مشی سیاسی و برنامه فعالیت پنج سال آینده را تعیین نمودند.

گزارش فعالیت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی به کنگره تقدیم کرد. در این گزارش که بمثابه یك سند برجسته مارکسیسم - لنینیسم خلاق مورد تأیید کنگره قرار گرفت، از دوران معاصر تحلیل عمیقی بعمل آمده، نتایج عظیم فعالیت حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی طی سالهای پس از کنگره بیست و سوم بررسی شده و برنامهٔ مبارزه برای کامیابیهای جدید در راه ساختمان کمونیسم تعیین گردیده است.

در نخستین بخش گزارش وضع بین المللی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ طی سالهای گذشته در عرصه بین المللی تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی پدید آمد. میان نیرو های صلح، آزادی و پیشرفت اجتماعی از یکسو و نیرو های اختناق، ارتجاع و تجاوز ازسوی دیگر مبارزات حادی جریان یافت. در مبارزه برای صلح و امنیت خلقها اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی دیگر سهم بزرگی ادا کردند. مواضع بین المللی اتحاد شوروی محکمتر شد، نقش سیستم جهانی سوسیالیستی که اینك یکربع قرن از پیدایش میگذرد افزایش یافت. اتحاد سه نیروی انقلابی اساسی عصر حاضر یعنی سوسیالیسم، جنبش پرولتاری بین المللی و جنبش رهائی‌بخش ملی روز بروز محکمتر و عمیقتر میگردد.

بررسی سیر عمومی حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که کوششهای امپریالیسم برای آنکه جریان تاریخ را بسود خویش برگرداند محکوم به شکست است. با این وجود جای سستی و آسوده دلی نیست. در برابر نیرو هائی که علیه یوغ سرمایه مبارزه میکنند آخرین ولی نیرومند ترین سیستم بهره کشی قرار دارد.

کامیابی در مبارزه بر ضد امپریالیسم وابسته به اتحاد نیرو های ضد امپریالیستی و در درجهٔ اول وابسته به وحدت صفوف جنبش کمونیستی بین المللی است. طی پنج سال

دنباله درصفحه ۲

سخنرانیهای رفیق ایرج اسکندری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

در سازمان حزبی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی و در دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

در ماه آوریل سال جاری هیئت نمایندگی حزب ما بریاست رفیق اسکندری در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست شوروی و دهمین کنگرهٔ حزب کمونیست بلغارستان شرکت جست. رفیق اسکندری در نطق خویش در سازمان حزبی شهر مسکو که بمناسبت بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست شوروی تشکیل شده بود چنین گفت:

«هیئت نمایندگی حزب توده ایران بمناسبت دعوت برادرانه برای شرکت در کنگرهٔ بیست و چهارم حزب پر افتخار لنین بزرگ، حزب کمونیست اتحاد شوروی مراتب تشکر عمیق خود را ابراز میدارد و تشکیل این کنگرهٔ بزرگ تاریخی را بشما و توسط شما بتمام کمونیستها و خلق قهرمان شوروی تهنیت میگوید. (کف زدن حضار)

ما گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست

دنباله در صفحه ۷

نیروهای انگلستان باید بی قید و شرط از خلیج فارس خارج شوند

در نطقی که داگلاس هیوم وزیر امور خارجه انگلستان روز اول مارس در مجلس عوام آنکشور ایراد کرد، سیاست دولت خویش را درباره فراخواندن نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۷۱ تشریح نمود. متعاقب ایراد این نطق، دولت ایران پس از اجرای یك سلسله تبادل نظرها با دولت انگلستان، موافقت خود را با برنامه پیشنهادی از طرف آن دولت اعلام داشت.

وزیر خارجه انگلستان در نطق خود خروج نیرو های انگلیسی را از خلیج فارس موکول به تحقق پنج شرط نموده است. مطالعه این شرائط نشان میدهد که دولت انگلستان قصد دارد ضمن پایان دادن به حضور رسمی خود در خلیج فارس، وسائلی فراهم سازد که حضور غیر رسمی آنکشور در این منطقه تأمین شود. هیوم نخستین شرط خروج

دنباله در صفحه ۶

زحمتکشان ایران مبارزه میکنند

با پیای تحولات اجتماعی و اقتصادی در میهن ما طبقه کارگر رشد مایابد، بیش از پیش آگاه و متحد میشود و برای بهبود زندگی خود مبارزه میکند. چند سال پیش دکتر اقبال نخست وزیر وقت در مجلس گفت کلمه اعتصاب در قاموس کشور ما وجود ندارد، چندین سال قبل از این اصلا کلمه کارگر را از فرهنگ کشور ما با زور شکنجه و زندان حذف کرده بودند. اداره سیاسی حکومت دیکتاتوری رضا شاه در هر نامه‌ای که کلمه کارگر رامیدید زیر آن خط قرمز میکشید و صاحب نامه را بزندان می انداخت ولی مگر سیر تاریخ را میتوان با زور متوقف کرد و یا یك دستوروری طبقه در حال رشدی که آینده جامعه متعلق باوست خط کشید؟ واقعیت نشان میدهد که علیرغم تمام فشار ها حبس ها و اعدام ها که برای سر کوب حزب طبقه کارگر ایران و درهم شکستن نیروی مبارزه این طبقه بکار رفته است، مبارزه

دنباله در صفحه ۵

اعدامهای تازه در ایران

سحر گاه چهارشنبه ۲۶ اسفند گذشته ۱۳ نفر از کسانیکه باتهام خلع سلاح پایگاه ژاندارمری سیاه کل، از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده بودند تیر باران شدند. در اعلامیه‌ای که مقامات امنیتی روز ۷ فروردین در این باره منتشر کرده اند اسامی تیرباران شدگان و اتهام وارده بآنها ذکر میشود. در این اعلامیه همچنین گفته میشود که در جریان برخورد های مسلحانه ۶ مأمور نظامی و غیر نظامی کشته و ۱۰ نفر نیز مجروح شده‌اند.

در مصاحبه‌ای که روز ۱۵ فروردین مقامات امنیتی با خبرنگاران جرائد داخلی و خارجی بعمل آوردند، اطلاعات تازه‌ای در این باره در اختیار آنها گذاشته‌اند. در این مصاحبه تصریح شد که در دنباه گذشته علاوه بر ۱۳ نفری که تیر باران شده‌اند، ۵۰ نفر دیگر باتهام وابستگی بآنها در شهرستانهای مازندران و گیلان دستگیر شده‌اند و محاکمه

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی

گذشته حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب برادر دیگر برای تحکیم وحدت صفوف خویش کوششهای فراوان مبذول داشته اند و با تشکیل موفقیت آمیز کنفرانس مسکو در سال ۱۹۶۹ در راه تأمین وحدت بین المللی جنبش کمونیستی و تحکیم اتحاد همهٔ نیرو های ضد امپریالیستی گام بزرگی برداشته اند. رفیق برژنف خاطر نشان کرد که حزب کمونیست اتحاد شوروی در آینده نیز این خط مشی را که موجب تشدید مبارزه جهانی ضدامپریالیستی و تقویت وحدت صفوف مبارزان ضد امپریالیست است اجرا خواهد کرد.

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سرمایه داری معاصر مورد تحلیل عمیق قرار گرفته، ضمن اشاره باین نکته که سرمایه داری خود را بر شرائط و اوضاع جدید تطبیق میدهد، تصریح شده است که این امر بمعنای تثبیت سرمایه داری نیست و بحران عمومی سرمایه داری همواره عمیقتر میگردد.

در کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی یکبار دیگر تأکید شد که اتحاد شوروی سیاست دفاع فعال از صلح و امنیت بین المللی را در مقابل سیاست جنگ و تجاوز امپریالیسم قرار میدهد. در گزارش رفیق برژنف در این زمینه برنامه ای طی شش ماده طرح شده که از جمله حاوی نکات مهم زیرین است:

خاموش کردن کانونهای جنگ در آسیای جنوب شرقی و در خاور میانه، حل سیاسی مسائل این مناطق بر پایه احترام به حقوق دولتها و خلقهائی که قربانی تجاوز شده‌اند. رد فوری هر گونه عمل تجاوزکارانه با استفاده از امکانات سازمان ملل متفق. خود داری از توسل بزور و یا تهدید بزور. عقد پیمانهای دو جانبه و منطقه ای. قطعی شناختن تغییرات ارضی (سرحدات) اروپا که از جنگ دوم جهانی ناشی شده است. دعوت کنفرانس برای تأمین امنیت جمعی اروپا. انحلال همزمان پیمان آتلانتیک و پیمان ورشو و بعنوان نخستین گام انحلال سازمانهای نظامی این دو پیمان. عقد پیمانهائی برای منع سلاحهای هسته ای، شیمیائی و میکربی. خاتمه دادن به کلیه آزمایشهای اتمی از آن جمله به آزمایشهای زیر زمینی. ایجادمناطق عاری از سلاحهای اتمی در نواحی مختلف جهان. خلع سلاح هسته ای و بدین منظور تشکیل کنفرانس مرکب از پنج کشور (ایالات متحده امریکا، شوروی، چین، انگلیس و فرانسه) که سلاح هسته‌ای دارند.

تشکیل کنفرانس جهانی خلع سلاح، برچیدن پایگاههای نظامی در خاك بیگانه، کاهش نیرو های نظامی و تسلیحات در هر جائی که میزان نیروهای نظامی خطر ویژه‌ای دارد و در درجه اول در اروپای مرکزی. تقلیل بودجه های‌نظامی و در درجه اول تقلیل بودجه های نظامی دول معظم.

اجرای تصمیمات سازمان ملل متفق در مورد محو بقایای استعمار، لغو مظاهر تبعیضات نژادی.

توسعه همکاری در کلیه رشته ها با همه دولتها، حل‌مسائل مربوط بصیانت محیط طبیعی و بهره برداری از منابع انرژی و دیگرمنابع ثروت، توسعه وسائل حمل و نقل و ارتباطات پیشگیری از شایعترین بیماریها، پژوهش و تسخیر کیهان و اقیانوسها.

رفیق برژنف ضمن تشریح نکات فوق روی این نکته تکیه کرد که اتحاد شوروی مبارزه خود را علیه امپریالیسم با قاطعیت دنبال خواهد کرد، به عملیات و توطئه های خرابکارانه تجاوزکاران پاسخ محکمی خواهد داد، از مبارزه خلقها برای دمکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم پشتیبانی خواهد کرد.

کنگره بیست و چهارم یکبار دیگر مناسبات همبستگی سوسیالیستی و دوستی استواری را که حزب کمونیست و خلق شوروی را به حزب زحمتکشان ویتنام و خلق ویتنام پیوند میدهد خاطر نشان ساخت. در پیامی که خطاب برزمندگان غیور هندوچین صادر کرد گفته شده است: «پایداری و مردانگی خلقهای آزادی دوست هندوچین، برخورداری از پشتیبانی دائمی خلق شوروی، مردم دیگر کشور های سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و همه نیرو های ترقیخواه ضامن پیروزی آنها در مبارزه بر ضد دشمن است». کنگره همچنین تجاوز امپریالیستی اسرائیل را که با تکیه بر پشتیبانی امپریالیستهای آمریکا علیه خلقهای عرب انجام‌یافته، محکوم کرد و همبستگی مردم شوروی را با خلقهای عرب که شجاعانه برای الغاء عواقب تجاوز اسرائیل، برای پیروزی آرمانهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه میکنند، اعلام داشت.

در زمینهٔ اقتصادی کنگره بیست وچهارم رهنمود های نهمین نقشه پنجساله را تصویب کرد. گزارش مربوط باین نقشه پنجساله بوسیله رفیق کاسیگین صدر شورای وزیران اتحاد شوروی به کنگره داده شد.

مردم شوروی در نتیجه اجراء هشتمین نقشهٔ‌پنجساله در راه ایجاد پایه‌های مادی و فنی کمونیسم، در راه تکامل مناسبات اجتماعی سوسیالیستی، ترقی سطح زندگی زحمتکشان و تربیت انسان نو گام بزرگی برداشته است. رهنمود های کنگره ۲۴ در مهمترین رشته های اجتماعی و اقتصادی اجراء شده است. تولید صنعتی ۵۰ در صد افزایش یافته، به وظایفی که برای بهبود زندگی و رفاه زحمتکشان در نظر گرفته شده بود کاملا و در مواردی بیش از میزان مقرر عمل شده است.

اینك در اتحاد شوروی یك قدرت اقتصادی عظیم بوجود آمده که بر پایهٔ صنایع متنوع، کشاورزی نیرومند سوسیالیستی، علم پیشرو و بر فعالیت کادر های کارگری ورزیده، متخصصین و مدیران شایسته تکیه دارد. این اقتصاد روزانه معادل دو میلیارد روبل یعنی ده برابر میزان قبل از جنگ محصول تولید میکند. باین ترتیب برای ترقی بازهم بیشتر اقتصادی وفرهنگی و برای انجام وظائف بغرنج نهمین نقشه پنجساله مقدمات لازم فراهم گردیده است.

تأمین ترقی قابل ملاحظه سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی هدف عمدهٔ نقشه پنجساله جدید را تشکیل میدهد.

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی کماکان صنایع سنگین را پایهٔ قدرت اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم تشخیص داد و برنامه دراز مدت پیشرفت اقتصاد کشاورزی را تأیید کرد، توسعه همه جانبه تولید کالاهای صنعتی مورد مصرف مردم و بهبود رشته های تجارت و خدمات را ضرور شمرد. کنگره تصریح کرد که بالا بردن بازده تولید اجتماعی بر پایهٔ ترقی علمی و فنی و استفاده کامل از کلیه ذخائر موجود راه عمدهٔ تسریع آهنگ رشد اقتصادی است. کنگره تأکید نمود که ایجاد پیوند ارگانیك بین انقلاب علمی و فنی و مزایای سیستم اقتصاد سوسیالیستی ضرورت دارد.

در نتیجه اجراء نقشه جدید طی پنجسال آینده در آمد ملی شوروی ۳۷ - ۴۰ در صد، تولید محصولات صنعتی ۴۲ - ۴۶ در صد، تولید محصولات کشاورزی ۲۰ - ۲۲ درصد و درآمد واقعی مردم در حدود ۳۳ درصد بیشتر خواهد شد. ۶۰ میلیون نفر از مردم شوروی طی پنجسال آینده به خانه های نو ساز منتقل خواهند شد. در زمینه اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی خط مشی تحکیم باز هم بیشتر وحدت جامعه شوروی، نزدیکی گروهها وقشرهای طبقاتی واجتماعی، ملتها و خلقهای شوروی، بسط دمکراسی سوسیالیستی، جلب باز هم بیشتر و فعالانه تر توده ها برای حل مسائل اجتماعی و دولتی، بالا بردن سطح آگاهی کمونیستی‌زحمتکشان را دنبال خواهد کرد. این خط مشی پیشرفت همه جانبه علم و فرهنگ و شکفتگی معنوی انسان شوروی را تأمین میکند.

در کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی ۱۰۲ هیئت نمایندگی از ۹۱ کشور جهان شرکت کردند. شرکت نمایندگان نیرو های انقلابی سراسر جهان در عالیترین مجمع حزب کمونیست اتحادشوروی نشان دهندهٔ نقش عظیمی است که اتحاد شوروی بمثابه نیروی عمده مادی و سیاسی اکثریت ضد امپریالیست خلقهای جهان ایفاء میکند. حضور نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری همه کشورهای جهان (بجز چین و آلبانی)، نمایندگان جنبشهای دمکراتیك ملی و برخی از احزاب سوسیالیستی چپ در این مجمع کبیر نشانهٔ آنست که مقاومت‌مردم و زحمتکشان سراسر جهان در مقابل توطئه های ماجرا جویانه امپریالیسم آمریکا و همدستانش تقویت میابد، صفوف متحد تر میگردد، اختلاف نظر ها بیش از پیش از میان برمیخیزد و وحدت عمل برضد امپریالیسم پیشرفت میکند.

هیئتهای نمایندگی خواه در جلسات کنگره و خواه در جلسات دیگری که به مناسبت تشکیل کنگره در بنگاههای گوناگون سازمان داده شده بود، مشی اصولی مارکسیستی - لنینیستی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی را در جنبش کمونیستی جهانی، در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه برای‌صلح، آزادی خلقها، دموکراسی و سوسیالیسم‌تأیید کردند. اهمیت ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم و در ارتباط با آن اهمیت بین‌المللی نقشه های پنجساله شوروی‌را متذکر شدند. همانطوریکه نیکلای پادگرنی صدر شورای عالی اتحاد شوروی ضمن نطق‌افتتاحیه خود پیشگوئی کرده بود کنگرهٔ بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی یکبار دیگر واقعی بودن نقشه های وسیعی را که تجسم نیرو و خرد جمعی ۱۴ میلیون کمونیست و همهٔ خلق شوروی است به ثبوت رسانید. با تشکیل کنگره بیست و چهارم مردم شوروی در مرحله مهمی از تاریخ خود گام نهاد و تردیدی نیست که با اجرای تصمیمات کنگره با موفقیت آنرا بسرانجام خواهد رساند.

ح. فروردین

بدینوسیله اعلام میشود که دکتر حسن نظری عضو حزب توده ایران نیست.

دبیرخانه کمیته مرکزی

دنباله از صفحه ۱

صد سال از کمون پاریس میگذرد

پس از شکست، روحیه میلیونها کارگر را بالا برد، امید آنانراتازه کرد و آنانرا بسوسیالیسم دلبسته ساخت.»

کلاسیکهای مارکسیستی، مارکس انگلس، لنین از واقعهٔ عظیم کمون بمثابه یك آزمایشگاه حقیقی تاریخی برای اثبات احکامی که از پیش مطرح بود یا گرفتن نتیجه گیریهای تازه استفاده کردند. بشکل خلاصه باید گفت که کمون نقش تاریخی طبقهٔ کارگر، ضرورت اتحاد آنها، ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت‌اتحاد کارگران و دهقانان، ضرورت حزب سیاسی طبقه کارگر ضرورت مبارزه علیه انحرافات چپ و راست در استراتژی و تاکتیك حزب طبقه کارگر را نشان داد.

دربارهٔ کمون‌پاریس‌ودرسهای گرانبهای آن در شمارهٔ ۴۹ «مسائل بین‌المللی» مقالات و اطلاعات تفصیلی لازم انتشار یافته استو ماخوانندگان ارجمند را به آنجا راه می کنیم‌وبه‌تکرار آن مطالب نمی پردازیم.

تردیدی نیست که آرمان فنا ناپذیر کمون‌پاریس که بصورت‌انقلابهای سوسیالیستی در یك سلسله از کشور های اروپا و آسیا و امریکای لاتین پیروز شده است، دیر یا زود شیپور ظفرمندی خود را در کشورهای دربند سرمایه، بسود سراسر بشریت خواهد نواخت.

پیروز باد آرمان جاویدان کمون

دنباله ازصفحه ۱

زحمتکشان ایران مبارزه میکنند

زحمتکشان ایران علیه استثمار کنندگان رشد و توسعه می یابد و جنبش اعتصابی در کشور ما اوج میگیرد. ظرف یکسال و چند ماه اخیر چندین اعتصاب بزرگ بوقوع پیوسته که همه با پیروزی ولو نسبی همراه بوده است از جمله اعتصاب کارگران شرکت نفت در فروردین ماه سال ۱۳۴۹ اعتصاب عمومی مردم تهران علیه شرکت واحد اتوبوسرانی و سر انجام در یازدهم اسفند امسال اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی در تهران است. ما در اینجا از اعتصابات مکرر دانشجویان که منجر بتعطیل دانشگاه های مختلف کشور شد و یا اعتصابات دیگر گری بیان نمیآوریم. در این مبارزات اعتصابی یکپارچگی و وحدت عمل شرکت کنندگان همه جا وجود داشت. اعتصاب در شرکت ملی نفت در جنوب اکثریت قریب باتفاق کارگران را در بر گرفت و تهدید های سازمان امنیت و فرماندهان ارتش و ژاندارمری نتوانست کارگران را از مبارزه باز دارد. اعتصاب مردم تهران علیه شرکت واحد چنان نیرومند و دامنه دار بود که حکومت را دست پاچه کرد و آنرا وادار نمود که با سرعت هرچه تمامتر با قیافه‌ای عوام فریبانه افزایش بهای بلیت اتوبوس را کان لم یکن کند و باعتصاب همگانی که بسرعت رنگ سیاسی بخود میگرفت پایان بخشد. اعتصاب رانندگان و کمك رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی چنان متحد و وسیع بود که روزنامه کیهان تحت عنوان «کارگران شرکت واحد دست از کار کشیدند» چنین نوشت: «از بامداد امروز به علت دست از کار کشیدن رانندگان و کمك رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی، شهر تهران قیافه دیگری بخود گرفته بود و در خیابانها و معابر پایتخت انبوه مسافران که درحال انتظار و بلا تکلیف بودند بچشم میخورد» اطلاعات تحت عنوان «در حاشیه اعتصاب دیروز» بطرزی طنز آمیز وضع مسافران را چنین مجسم نمود! «دیروز پاهای مسافران اتوبوس ها نقش بهترین، مطمئن ترین وسیله نقلیه عمومی را ایفا کرد و بقول ظریفی خطوط ۱۸ و ۱۱ دیروز دائر بود!!!» درمورد علت اعتصاب، کیهان از قول نماینده سندیکای رانندگان شرکت رانندگان شرکت واحد نوشت: «ما سندیکا داریم و از چندی قبل بوسیله سندیکا خواست هایمان را با مسئولین شرکت واحد مطرح کردیم ولی بآنها توجه نشده است.» او گفت که «ماطالب آن هستیم که قانون کار در باره ما تمام و کمال اجرا شود و میخواهیم پول نهاری که بما میدهند جزء حقوقمان باشد میخواهیم هر سال ۴۵ روز پاداش و عیدی بما بدهند و مسئله لباس ما حل شود.» اتحاد و همبستگی رانندگان چنان محکم بود که حتی یك اتوبوس هم در روز ۱۱ اسفند ماه از جای نجنبید و مبارزه آنان دستگاه دولتی و حزب وابسته بدولت ومدیران شرکت واحد را وادار کرد که در جلسه‌ای با حضور نمایندگان کارگران بقسمتی از خواستهای آنان تن در دهند و پس از پایان اعتصاب بخواستهای دیگر آنها نیز رسیدگی نمایند. باین ترتیب اعتصاب با پیروزی هزاران نفر کارگر پایان یافت. در جریان اعتصاب انبوه کارگران شرکت واحد در خیابان سی متری جلوه‌ای از نیروی بخشی از زحمتکشان کشور ما بود که برای بهبود زندگی و احقاق حق خود بپا خاسته‌اند. اطلاعات ۱۲ اسفند در این باره چنین نوشت: «چندین هزار نفر رانندگان شرکت واحد بخط منظم در ضلع غربی خیابان سی متری نارمك مستقر شده و بطور ایستاده با همدیگر مذاکره میکردند..» سپس اضافه کرد که «این وضع تاعصر دیروز که نتیجه مذاکرات نمایندگان کارگران با مقامات مسئول اعلام شد و به پیروزی کارگران ختم گردید، ادامه داشت.»

اینها نمونه های غیر قابل انکاری از رشد و آگاهی طبقه کارگر ایران است که موجودیت خود را تثبیت کرده و با مبارزه خود راه را برای آینده بهتری باز میکند. اکنون برای ارتجاع و رژیم مطلقه ایران ثابت گردیده که نمیتوان این طبقه رزمنده، ایجاد کننده و نوجوان را نا دیده گرفت. باین دلیل است که در مقابل این نیروی دائم التزاید راه اعمال قهر و سرکوبی را کافی نمیداند و ناچار است دست بعقب نشینی بزند، دیگر نه تنها کلمه کارگر و اعتصاب در فرهنگ ایران وجود دارد بلکه «جانبداری» از کارگر و شرافت کارگر و نظائر این گونه کلمات ورد زبان شاه و حکومت ایران است.

وزارت کار، قانون کار، بیمه های اجتماعی و ایجاد سندیکا ها با آنکه فاقد معنای واقعی خود هستند مع الوصف نشانه عقب نشینی دستگاه حاکمه در مقابل واقعیتی است که باین دستگاه تحمیل شده است. طبقه کارگر ایران از همان اوان پیدایش خود زیر رهبری حزب کمونیست ایران و سپس حزب توده ایران بمبارزه پرداخته و دارای سنت های با ارزشی است که بدان الهام میبخشد و راه مبارزه را نشان میدهد، شکی نیست که جنبش طبقه کارگر ایران با رشد این طبقه که امری مسلم و غیر قابل تردید است توسعه و دامنه بیشتری خواهد یافت و قدرت حاکمه را بعقب نشینی های تازه‌ای وادار خواهد کرد. در حال حاضر وظیفه کارگران ایران تشکل هرچه بیشتر وحدت و همبستگی هرچه محکمتر و حد اعلای استفاده از امکاناتی است که بصورت ظاهر دستگاه حکومتی تحت عنوان سندیکا و قانون کار شورای کارگاه و غیره در دسترس آنها گذارده است. مبارزه برای تبدیل سندیکاها بسندیکا های واقعی، مبارزه برای اجرای واقعی قانون کار و بیمه های اجتماعی واصلاح آنها، مبارزه برای بالا بردن مزد و کم کردن ساعات کار، مبارزه برای کوتاه کردن دست

دنباله از صفحه ۴

همه باهم از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

بخواهند صادقانه از حقوق خود و موکلین خویش دفاع کنند، سرنوشتی بد تر از سرنوشت موکلین خود خواهند داشت.

در دادگاههای نظامی هیچگونه ضمانت دفاعی برای متهم وجود ندارد و قصاص پایداری و پایمردی متهم در دادگاه، با شکنجه از او گرفته خواهد شد.

شرائط عمومی زندان

چنانکه بار ها نوشته ایم شرائط عمومی زندانها بهیچوجه متناسب با شئون انسانی و اجتماعی زندانیان سیاسی نیست. کنار هم قرار دادن زندانیان سیاسی با قاتلان و چاقو کشان حرفه ای، شیوه ای است که سازمان امنیت برای اعمال فشار روحی بزندانیان اعمال میکند. زندانهای تنگ و تاریك و نمور، بدون هوا وبدون آفتاب سالهاست که بهترین مبارزان میهن ما را در خود جای داده اند. از آنجمله اند اعضاء حزب ما: صفر قهرمان از سال ۱۳۲۶، بدرالدین مدنی از سال ۱۳۳۲، سروان تقی کی منش، سروان عباس حجری، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر، ستوان یکم علی عموئی، ستوان دوم رضا شلتوکی، ستوان دوم ابو تراب باقر زاده افسران دلیر و تسلیم نا پذیر عضو حزب توده ایران از سال ۱۳۳۳، دکتر بنی طرفه و مجید امین مؤید ازسال ۱۳۳۷، علی خاوری و پرویز حکمت جو از سال ۱۳۴۵، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده و تقی معتمدی از سال ۱۳۴۶، زندانیان حادثه کردستان، عده ای از روحانیون مترقی، عده ای از کارگران و کارمندان، پیشه وران و بازاریان میهن پرست و جمعی از روشنفکران و دانشجویان وابسته به سازمانهای مختلف سیاسی و عده ای از میهن پرستان کرد.

در زندانهای سازمان امنیت، انواع فشار های روحی و جسمی به زندانیان وارد میشود. زندانها فاقد ابتدائی ترین وسیلهٔ بهداشت، فاقد غذای قابل خوردن هستند. زندانیان سیاسی بر اثر شرائط دشوار زندان به انواع بیماریها دچارند و مقامات زندان از تأمین شرائط لازم برای معالجه و مداوای آنها سر باز میزنند. ملاقات زندانیان همراه با انواع محدودیت ها، اشکالتراشی ها، توهین و تحقیر است. در چنین شرایطی دلیران پیکارجوئی که بخاطر دفاع از حیثیت انسانی و آرمانهای عالی خود، تمام جوانی خویش را در درون این سیاه چالها گذرانده و تسلیم ناپذیر مانده اند، درود و تحسین نیرو های مترقی سراسر جهان را بهمراه خود دارند.

ضرورت همبستگی با زندانیان سیاسی و وحدت عمل نیرو ها

زندانیانی که اسیر جلادان رژیم اند به یاری ما نیازمندند. وظیفه همه نیرو های مبارز و مترقی است که از هیچ حمایت مادی و معنوی زندانیان سیاسی و خانواده‌های رنج کشیدهٔ آنان دریغ نورزند. برای اجبار رژیم به رعایت قانون، انحلال سازمان امنیت و دادگاههای نظامی، الغاء شکنجه و ارجاع جرائم سیاسی به دادگاههای دادگستری، مبارزه متحد و عنودانهٔ همهٔ نیرو های مترقی و میهن پرست ضروری است. هر قدر این مبارزه فشرده تر، در یك جبهه و زیر شعار واحد انجام گیرد، قدرت مقاومت رژیم کمتر و امکان پیروزی بیشتر است. اما هر قدر این مبارزه پراکنده تر، در جبهه های گوناگون و با شعار های گوناگون عملی شود قدرت مقاومت رژیم در برابر آن بیشتر و امکان پیروزی کمتر است. با توجه به این امر، بهر عنوان و دستاویزی که در راه مبارزهٔ واحد نیرو ها برای تأمین آزادیهای دموکراتیك تفرقه اندازی شود، عملا کمکی است به رژیم استبداد. آنها که این رسالت نامیمون را بر عهده گرفته اند باید در آینده جوابگوی ملت ایران باشند.

درود بزندانیان سیاسی که مظهری از مبارزه و پایداری خلقهای ایرانند!

مینو

عوامل سازمان امنیت از محیط کارگری و مبارزه برای آزاد کردن سندیکا ها و اراه کارگران از وابستگی باحزاب دولتی، در دستور روز مبارزات طبقه کارگر ایران قرار دارد. در تمام این زمینه ها میتوان و بایدمبارزه کرد و پیروز شد. اینگونه مبارزات است که زمینه را برای مبارزات بزرگتری که محصول آنها بدست آوردن پیروزیهای سیاسی است آماده میکند. بدون تشکل زحمتکشان و کشاندن آنها بمبارزه نمیتوان انتظار یك پیروزی سیاسی اصیل داشت. آنها که توده را نادیده میگیرند و بدنبال ماجرا میروند سخت در اشتباهند. اگر کسانی حقیقتا مبارز و دوستدار خلقند باید در میان خلق کار کنند آنها را آگاه نموده و با بپای آنها از ساده ترین مبارزات آغاز کنند، صبر و حوصله بخرج دهند تا شرایط برای پیروزی نهائی آماده گردد.

زنده باد جنبش زحمتکشان میهن ما

ا. گویا

شماره حساب بانکی پیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

دنباله از صفحه ۱

نیروهای انگلستان باید ...

قوای انگلیسی را تشکیل فدراسیون شیخ نشین های خلیج فارس قرار میدهد ، شرط دوم آنست که : « انگلستان مایل است ارتش پیشاهنگان عمان را که تحت نظر افسران انگلیسی است در اختیار فدراسیون بگذارد تا پایه‌وهسته یك ارتش جدید برای فدراسیون باشد» . شرط سوم آنست که : «عناصری از قوای کنونی انگلیس در خلیج فارس و از جمله گروههائی از این قوا ممکن است بطور مداوم دراین‌منطقه باقی بمانند . » شرط‌چهارم ناظر بر آنست که : « مانور های تعلیماتی ممکن است با شرکت واحد های نیرو های زمینی و هوائی انگلیس بطور مرتب انجام شود . » بالاخره آخرین شرط آنست که : « کشتی های نیروی دریائی انگلیس ممکن است بطورمستقیم‌ازاین‌منطقه بازدید کنند . »

روزنامه اطلاعات از قول یك مقام عالی رتبه دولتی ایران نقل میکند که : « بررسی تحولات ۲۴ ساعتهٔ گذشته گویای این‌حقیقت بود که انگلیس تمام نظریات ایران را در مورد آینده خلیج فارس بر آورده است . ولی این دعوی با واقعیت تطبیق نمیکند . البته اعلام رسمی خروج نیرو های انگلیسی تا پایان سال ۱۹۷۱ بخودی خود بمنزله‌ی عقب نشینی امپریالیسم انگلستان از مواضع پیشین دولت محافظه کار است ولی در عین حال تعلیق‌خروج نیروهای انگلیسی به حصول شرائط مذکور، نه تنها ابقای حد اقل بخشی از نیرو های آنکشور را در خلیج فارس تأمین میکند ، بلکه زمینه‌ایست برای آنکه آن کشور بتواند درصورت‌لزوم،مجدداً‌باین منطقه باز گردد .

دولت ایران در سالهای اخیر بار ها اعلام کرده‌است که‌خلیج‌فارس‌متعلق به ساکنین اطراف خلیج است و با حضور و ابقای هیچ نیروی‌خارجی‌در خلیج فارس موافقت نخواهد کرد . این موضع سیاسی درستی است که مورد موافقت‌حزب و مردم ایران بوده وهست ولی دولت ایران باید صداقت در گفتار را با کردار و عمل مشخص ثابت کند . دولت ایران‌با اعلام آن موضع صحیح اینك موافقت خود را با پیشنهاد های وزیر خارجه انگلستان چگونه توجیه‌میکند ؟ نمیتوان از یکطرف خروج کامل نیرو های انگلیسی را از خلیج فارس مطالبه کرد و از طرف دیگر با پیشنهاد هائی‌موافقت‌نمود که لااقل ابقای بخشی ازاین نیرو ها رادراین منطقه تأمین میکند و بعبارت دیگر عملا به استعمار امکان میدهد «از در برود و از پنجره باز گردد» . اگر خلیج فارس متعلق به ساکنین کشور های اطراف خلیج است، بچه عنوان دولت انگلستان بخود حق میدهد و ابراز تمایل میکند که مانور های تعلیماتی « باشرکت واحد های نیروهای زمینی و هوائی انگلیسی در این منطقه بطور مرتب انجام شود . » آیا مانور نیرو های زمینی و هوائی انگلستان در خلیج فارس ، ناقض اصل تعلق خلیج به ساکنین اطراف آن نیست ؟

ما معتقدیم اکنون زمانی فرا رسیده است که میتوان و باید خروج بی قید و شرط نیرو های انگلیسی را از خلیج فارس مطالبه کرد و این مطالبه را از راه عمل سیاسی و مبارزه تحقق‌بخشید . استعمار انگلستان قرنها در این منطقه حکمفرما بود و حکمفرمائی آن انواع مصائب و بدبختی ها برای ملت های این منطقه همراه داشته است . ما در دوران‌اضمحلال‌نهائی‌سیستم‌استعمار امپریالیستی زندگی‌میکنیم. دورانی که استعمار میتوانست شرایط اسارت آور خود را بملت ها تحمیل کند گذشته‌است.باعتقاد ما در دوران کنونی اصل تعلق خلیج فارس به ملت های ساکن منطقه ، میتواند و باید بی قید و شرط و بی چون و چرا اجرا شود . دولت انگلستان‌حق ندارد و نمیتواند، خروج قوای خود را از این منطقه، بهیچ شرطی از هیچ نوع موکول کند و دولت ایران نیز اگر در روش خود یکگیر میبود نمیبایست سیاست انگلستان را در این زمینه «تأیید» کند و آنرا « تصمیم صحیح » بنامد .

در تبلیغات انگلستان غالباً گفته میشود که خروج قوای‌انگلیسی‌از خلیج فارس‌ممکن است به ایجاد تصادم و اغتشاش در این‌منطقه منجر شود . اولا باید گفت که ملت های ساکن‌این منطقه‌بقیم و مربی احتیاج ندارند، آنها منافع‌خویش‌را بخوبی میشناسند وبخوبی قادر به حفظ و دفاع از آنها هستند . ثانیاً‌در روابط میان ملت های ساکن این منطقه هیچ امر متنازعی که از طریق مذاکره مسالمت آمیز قابل حل نباشد ، وجود ندارد . بفرض اختلافاتی هم‌وجود داشته باشد ، یا در آینده بوجود آید ، مردم این منطقه میتوانند خود بهر نحو که صلاح بدانند در رفع آنها اقدام کنند . ثالثاً، اختلافات گذشته میان ملت‌های این منطقه در درجه اول ناشی از سیاست استعماری انگلستان ، و نفاق افکنی های آن بوده است . مسلم است تا وقتیکه استعمار طلبان انگلیسی ، بهر شکلی از اشکال در خلیج فارس وجود داشته باشند ، مردم این منطقه روی آرامش نخواهند دید .

ما بار ها در اسناد رسمی خود متذکر شده‌ایم که با هر عمل دولت‌ایران که‌درجهت استیفا و تأمین حقوق مردم کشور ما انجام شود موافقت و از آن پشتیبانی خواهیم کرد. و در همانحال ، با هرعمل در جهت معکوس شدیداً مبارزه خواهیم نمود . ما قبول پیشنهاد های جدید دولت انگلستان را از طرف‌دولت ایران خلاف منافع ملی ایران و خلق های دیگر ساکن خلیج فارس میدانیم . عمل‌دولت ایران در این‌مورددر حقیقت با دعاوی رسمی وی تعارض جدی پیدا میکند . دولت ایران طی سالهای اخیر بارها اعلام کرده بود که « در برابر بازگشت انگلیس از « پنجره » باین منطقه ، بیکار نخواهد نشست ، ولی روش کنونی دولت ایران در قبال زور گوئی امپریالیسم انگلستان چه اعتباری برای این قبیل اخطار های رسمی باقی میگذارد ؟ !

ما درهمانحال که معتقد بخروج بی قید وشرطنیرو های‌انگلیسی در خلیج فارس‌هستیم تصریح یکی دیگر از اصول نظریات خودرا نیز در این‌مورد ضرور میشماریم .اصل تعلق خلیج فارس به ساکنین این منطقه ، باین مفهوم است که تمام کشور ها و امارات‌خلیج طبق موازین متداول حقوق بین المللی دراین منطقه حقوقی دارند که احترام متقابل بآنها لازم است . ما با تجاوز هریك از کشور ها و امارات خلیج ، بحقوق قانونی کشور خود بشدت‌مبارزه‌خواهیم کرد،ولی‌متقابلا با هر گونه تجاوزاحتمالی دولت‌ایران به‌حقوق‌سایر کشور ها و امارات این منطقه، بهمان اندازه مخالفیم و آن را بهمان شدت محکوم میکنیم .

اخیراً در مطبوعات ایران ، بکرات از قدرت نظامی ایران صحبت میشود . بمنظور بسط این قدرت ، بخش عظیمی از در آمد ملی ما، بکام سوداگران مرگ فرومیریزد . اگر غرض از سیاست تسلیح نظامی تجاوز به حقوق ساکنین اطراف خلیج است ، باید گفت این سیاستی است نادرست که بهیچوجه با منافع واقعی مردم ایران تطبیق نمیکند.تنها نتیجه آن ایجاد تشنج در مناسبات ایران با ساکنین این منطقه است .

باعتقاد ما خلیج فارس میتواند و باید طبق موازین‌حقوق بین المللی ، مورد استفاده صلح آمیز تمام مردم این ناحیه قرار گیرد . منافع مردم کشورما ایجاب می کند که‌پیوند های دوستی و تعاون میان مردم ما ، وساکنین ناحیه خلیج هر چه بیشتر بسط یابد ساکنین خلیج فارس‌بر روی دریائی از طلای سیاه زندگی می کنند . منابع زیر زمینی این‌ناحیه آنقدر غنی است که صاحبان آن میتوانند در صورت تعاون با یکدیگر و ایجاد مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی ترقیخواهانه در سرزمین های خود ، در مدت کوتاهی بر میراث شوم استعمار غلبه کنند و پایه های یك زندگی نو و سعادتمند را استقرار بخشند . ما معتقدیم فقط در صورت اتخاذ چنین سیاستی است که میتوان برای‌ساکنین ناحیه خلیج یك زندگی روشن و مرفه پیش بینی کرد .

رامین

دنباله از صفحه ۱

جنبش دانشجویان ایرانی ...

بدون هراس از تضییق و تعقیب رژیم ، شرافتمندانه و صادقانه ، با شجاعت و صراحت و قاطعیت ، با خونسردی و پیگیری برای پیشبرد مشی‌صحیح واصولی در جنبش‌دانشجو. یان ایرانی و در کنفدراسیون مبارزه کرده‌اند. اینکه زندگی صحت نظریات ، روشها و پیش بینیهای آنها را بثبوت رسانده است بهترین پاداش برای آنهاست .

نتایج کنگره کنفدراسیون ضمن تأیید و تشویق دانشجویان آگاه و مترقی به ادامه و تشدید مبارزه ، آنها را در برابر وظائف سنگین تر و حساس تری قرار داده است . آنها باید با قاطعیت و صراحت و پیگیری بیشتر هم در داخل و هم در خارج کنفدرا ـ سیون برای پیشبرد مشی صحیح مبارزه کنند . وظیفه آنست که چپ رو ها و چپ نما ها هم در داخل و هم در خارج کنفدراسیون منفرد شوند و توده دانشجو بیش ازپیش‌برای تحقق مشی صحیح جاب و تجهیز شود . باید با همان خونسردی و حوصله‌ای که ثمربخشی آن طی سالیان گذشته بثبوت رسیده است زیانبخش بودن مشی انحرافی مسلط در کنفدراسیون را برای اکثریت هر چه وسیع تری از دانشجویان فاش ساخت . باید از آمادگی دانشجویان برای اتحاد و مبارزه در راه خواستهای صنفی و سیاسی استفاده کرد و جنبش دانشجویان ایرانی را بسطح عالی تری از درك ماهیت و خصلت و وظائف‌خود رساند .

جنبش دانشجویان ایرانی بر سر دو راه

در اینجا خطاب ما بهمه دانشجویان ایرانی است . جنبش دانشجویان ایرانی با سنت درخشان مبارزه خود و با ازسر گذراندن فراز و نشیبها اینك بطور قطع بر سر دو راهی قرار گرفته است : راهی که [redacted] سال های اخیر از طرف عناصر چپ رو چپ نما به جنبش دانشجویان ایرانی بطور اعم و کنفدراسیون بطور اخص تحمیل شده راهی است چپ روانه ، سکتاریستی، ماجراجویانه ؛ راهی است مباین با خصلت جنبش دانشجوئی و سازمان دانشجوئی ؛ راهی است متضاد با منافع جنبش دانشجوئی و کنفدراسیون . این راهی است که کنفدراسیون را با بحران و بن بست و خطر تلاشی روبرو کرده . این راهی است که عرصه را برای نفوذ و فعالیت عناصر مشکوك و مغرب ـ طبق اعتراف خود سازمان امنیت و نمونه های افشاء شده ـ باز کرده . این راهی است که عناصر شرافتمند و مبارز را در خطر فشار وتعقیب غیرلازم قرار داده است . این واقعیت برای هر کس که دارای عقل سلیم و حسن نیت است از روز روشن تر است . باید بار برای همیشه از این راه برگشت و عناصر چپ رو و چپ نما را ، که مسئولیت تحمیل چنین راهی را بر کنفدراسیون دارند ، بکلی طرد کرد .

راهی که باید درپیش گرفت راه مبارزهٔ ضد امپریالیستی و دمکراتیك با حفظ ماهیت و خصلت یك جنبش دانشجوئی و یك‌سازمان دانشجوئی در چارچوب قانون اساسی واعلامیه حقوق بشر است . فقط با طرد راه گذشته و گام گذاردن در راه نوین ـ که سالهاست از طرف دانشجویان آگاه و مترقی پیشنهاد میشود ـ میتوان جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را از بحران و بن بست نجات داد و بمبارزه ثمر بخش در راه تحقق خواست های صنفی و سیاسی دانشجویان ادامه داد . مبارزه سالیان گذشته نشان میدهد که علیرغم دشواریها و بغرنجیها جنبش دانشجویان ایرانی دارای آنچنان نیروی سالمی هست که بتواند در این راه نوین گام گذارد . ما به این حقیقت ایمان داریم .

م . انوشه

جنبش دانشجویان ایرانی بر سر دو راه

در ماه مارس ۱۹۷۱ دوازدهمین کنگره کنفدراسیون در فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل بود. این کنگره در زمانی تشکیل شد که دادستان نظامی ارتش کنفدراسیون را متهم بفعالیت «کمونیستی» کرده و به استناد قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ عضویت در آنرا «جرم و قابل تعقیب» شناخته بود. بهمین جهت کنگره اهمیت ویژه ای کسب کرد. همه دانشجویان و همه محافل مترقی که بسرنوشت جنبش دانشجویان ایرانی علاقمندند با دقت جریان کنگره را دنبال کردند. همهٔ این محافل میخواستند ببینند که کنفدراسیون در برابر این «وضع جدید» چه راهی در پیش خواهد گرفت و وظایفی را که درمقابل اوست چگونه حل خواهد کرد: آیا به بحران و بن بستی، که دیگر نیازی به اثبات ندارد، و مستقیماً نتیجه سیاست نادرست و زیان‌بخش گذشته است پایان خواهد داد؟ آیا سیاست اصولی و واقع بینانه ای که موافق مصالح جنبش دانشجویان ایرانی و منطبق با شرایط مشخص کنونی مبارزه است در پیش خواهد گرفت؟ آیا اتحاد همه نیرو ها را برای پیشبرد سیاست ضدامپریالیستی و دمکراتیک تحقق خواهد بخشید؟ یا زندگی باید هنوز درسهای عبرت آموز تری را به پیش آورد، تا بتوان بر گمراهیها و کجرویها غلبه کرد و سنت درخشان جنبش دانشجویان ایرانی را در مبارزه بخاطر خواستهای صنفی و سیاسی دانشجویان با قدرت و استحکام بیشتری ادامه داد؟ پاسخ به این سئوالات را نه فقط هر دانشجوی مترقی ایرانی بلکه هر میهن پرست ایرانی میطلبید.

اعتراض به سیاست ضد دمکراتیک رژیم

تصمیم غیر قانونی و ضد دمکراتیک دادستان نظامی ارتش در باره کنفدراسیون بی خشم و اعتراض همه دانشجویان را برانگیخته بود و این واکنش در کنگرهٔ کنفدراسیون منعکس بود. سیاست ضد دمکراتیک رژیم با این تصمیم بیش از پیش فاش شد و واکنش طبیعی آن تصمیم باعتراض و مقاومت در برابر این تصمیم بود. این روحیه اعتراض و مقاومت در برابر سیاست ضد دمکراتیک رژیم و تصمیمات غیر قانونی آن اگر از برخورد های احساساتی و چپ روانه و ماجراجویانه بری شود، اگر موجب اتحاد همه دانشجویان، صرفنظر از تفاوت واختلاف در عقاید سیاسی و مسلکی گردد، اگر به مجرای صحیح بیفتد و از آن استفاده اصولی شود، مثبت است و میتواند هم موجب تقویت جنبش دانشجویان ایرانی گردد و هم رژیم را وادار بعقب نشینی کند.

روش اصولی تقویت میشود

مبارزه اصولی دانشجویان آگاه ومترقی که با حوصله و پیگیری تمام و علیرغم تهمتها و توهینها و ناسزا های عناصر چپ رو وچپ نما طی سالهای گذشته انجام گرفته، همراه با درسهای عبرت آموز مبارزه و تجربه شخصی توده های دانشجو بیش از پیش نادرستی و زیانبخش بودن سیاستی را که از طرف عناصر چپ رو و چپ نما به کنفدرا-سیون تحمیل شده، بثبوت میرساند. این واقعیت را میشد در کنفرانسی که قبل از تشکیل کنگرهٔ کنفدراسیون به بحث در باره مشی آینده کنفدراسیون اختصاص داده شده بود، مشاهده کرد. منشوری که در کمیسیون مربوطه بتصویب رسید و منعکس کنندهٔ بحثهای کنفرانس بود، علیرغم برخی نقائص و کمبود ها و نکات قابل انتقاد، بطور کلی مثبت بود و مشد آنرا گامی بجلو و درجهت غلبه بر اشتباهات و انحرافات گذشته کنفدرا-سیون تلقی کرد. این منشور میتوانست زمینه و پایه ای برای ادامه و تشدید مبارزه بخاطر طرد کامل مشی انحرافی گذشته قرار گیرد، کنفدراسیون را از بحران و بن بست کنونی نجات دهد و توده های دانشجو را برای دفاع از منافع صنفی و سیاسی خود تجهیز کند.

روش خرابکارانه چپ روها و چپ نماها

ولی متأسفانه چنین نشد. چپ رو ها و چپ نما ها که «خطر» را احساس کردند به تلاش تب آلودی افتادند. آنها تمام نیروی خودرا بکار انداختند تا از تصویب این منشور که نخستین گام جدی برای طرد سیاست چپ رو ها و چپ نما ها و بمنزلهٔ محکوم کردن این سیاست و مجریان آن بود، جلو گیری کنند. و در این راه طبق معمول خود از اتهام و توهین و ناسزا گرفته تا شانتاژ وارعاب و سوء استفاده از احساسات خشم آلود دانشجویان بر ضد تصمیم دادستان ارتش در باره کنفدراسیون دریغ نکردند، و متأسفانه موفق شدند. منشور در سو کمیسیون بعدی پس گرفته شد و منشور دیگری که بجای آن آمد در واقع همان چیزی است که تا بحال به آن عمل شده و تا کنون لطمات جبران ناپذیر به جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدرا-سیون زده است.

مسئولیتی که فراموش نخواهد شد

بدینسان چپ رو ها و چپ نما ها با روش خرابکارانه خود بار دیگر تکامل جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را ترمز کردند. در زمانیکه رژیم با سیاست ضد دموکراتیک خود میخواهد جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را سر کوب کند ادامه سیاست گذشته چپ روها و چپ نما ها، که به کنفدراسیون تحمیل شده، بمعنای ادامه بحران و بن‌بستی است که کنفدراسیون با آن روبرو است و دیگر حتی برای موجدین آنهم پوشیدنی نیست. ادامه این بحران و بن بست یعنی فلج کردن کنفدراسیون و سر انجام محکوم کردن آن به تلاشی. این است همکاری و سازش با رژیم! اینست آب به آسیاب دشمن ریختن! و این واقعیت را هیچگونه جمله پردازی انقلابی و هیچ انقلا-بیگری کاذبی نمیتواند بپوشاند. گذشته از این کسانیکه با انگیزه های گوناگون تمام پل ها را برای بازگشت به مشی صحیح پشت سر خود شکسته اند و حتی قصد بازگشت به ایران هم ندارند چگونه بخود اجازه میدهند با سرنوشت هزاران نفر از دانشجویانی که میباید به ایران باز گردند بازی کنند؟ این مسئولیتی است که از جانب جنبش دانشجویان ایرانی و نهضت ضدامپریا-لیستی و دمکراتیک مردم ایران هرگز فراموش نخواهد شد.

چپ رو ها و «چه باید کرد؟»

جالب است که تجمع تمام «تئوریسینها» و «ایدئولوگها» و «رهبران» چپ رو در کنفرانس و کنگره نتوانست بالاخره دقیقا به این سئوال پاسخ دهد که در برابر وضع جدید «چه باید کرد؟» اینها که دچار سر گیجه و سردرگمی شده بودند و عجز کامل خود را در تحلیل وضع مشخص کنونی و تعیین مشی آینده نشان دادند، سر انجام و عملا همان چیزی را تکرار کردند که ورشکستگی آن مدتهاست آشکار شده. آنها بجای پاسخ به سئوال «چه باید کرد؟» به این پرداختند که چرا رژیم این تصمیم را گرفته‌است؟ و در این زمینه هم چنان مطالب نامربوط و نادرستی بهم بافتند که بیش از آنکه خنده آور باشد تأسف آور است. آنها باز هم هرجا که در برابر استدلالات دانشجو-یان آگاه و مترقی وا ماندند - و همه جا وا ماندند - به اتهام و توهین و ناسزا دست زدند و باز هم حربه کهنه و ارتجاعی ضد توده‌ای و ضد شوروی را بکار بردند. آنها باردیگر نشان دادند که همراه با بن بست و بحرانی که کنفدراسیون را با آن روبرو کرده اند، خود با بن بست و بحران، با ورشکستگی و از هم پاشیدگی روبرو هستند.

تکیه به قانون برای مبارزه

با اینهمه برای اینکه بفهمیم بالاخره چپ روها و چپ نماها ادامه سیاست نادرست و زیانبخش گذشته را چگونه توجیه میکنند، از انبوه مطالبی که در کنفرانس و کنگره و خارج از آن از جانب چپ روها و چپ نما ها بیان میشد دو «استدلال» بنظرمان قابل بحث آمد:

نخست اینکه قانون اساسی ارتجاعی است و یا قسمتی از آن ارتجاعی است و بنا بر این ما نباید به آن تکیه کنیم و خود را در چارچوب آن محدود سازیم.

اگر بگوئیم این بمعنی تأیید رژیم‌است ممکن است در نظر اول عجیب بنظر آید، ولی این عین واقعیت است. همه مردم ایران معتقدند که این رژیم کنونی است که قانون اساسی را زیر پا گذاشته و این جنبش مردم ایران است که باید برای حفظ و اجراء حقوق و آزادیهای دمکراتیک مصرح در قانون اساسی مبارزه کند. گفتن اینکه نباید به قانون اساسی تکیه کرد یعنی قانون اساسی متعلق به رژیم است و رژیم مدافع آنست. ملاحظه میشود که آن ظاهر انقلابی چگونه ارتجاعی از آب در میآید. گذشته از این مگر کنفدراسیون حزب سیاسی است، دارای ایدئولوژی واحد است، میخواهد انقلاب کند و قانون اساسی جدید تنظیم نماید؟ آیا این همان سیاستی نیست که با خصلت توده ای و دمکراتیک کنفدراسیون و جنبش دانشجوئی مباینت دارد؟

ضمناً جالب است که همین کسانیکه مبارزه در چارچوب قانون اساسی را رد میکنند بناچار در مبارزات روزانه باز هم به همین قانون تکیه میکنند. تناقض در حرف و در عمل از مختصات چپ روها و چپ نما هاست. از این واقعیت گریزی‌نیست.

«استدلال» دیگر اینست که رژیم به قانون اعتنائی ندارد و تکیه به قانون اساسی در مبارزات بیفایده است.

سئوال اینستکه پس برای چه مبارزه میکنید؟ پس چرا میگوئید باید مبارزه کرد تا رژیم بعقب نشینی وادار شود؟ جز با تکیه بقوانینی که رژیم زیر پا گذاشته، جزمبارزه برای‌اجراء این قوانین از طرف رژیم، جز مبارزه برای وضع قوانین دمکراتیک چه راه دیگری‌برای یک سازمان دمکراتیک وتوده‌ای وجود دارد تا به‌مطالبات صنفی و سیاسی خود تحقق بخشد؟ آیا این روش بظاهر انقلابی در واقع ارتجاعی نیست که مبارزه - مبارزهٔ اصولی، خلاق، واقع بینانه و ثمربخش را بیفایده میداند؟ آیا این سیاستی نیست که جنبش را به تسلیم و شکست میکشاند؟

تجربه هم در تئوری هم در عمل ثابت کرده است که یک سازمان دمکراتیک و توده ای در میهن ما میتواند، بدون اینکه خصلت دمکراتیک و مترقی خود را از دست دهد، در چارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر مبارزه کند. این مبارزه البته با چپ روی وسکتاریسم و ماجراجوئی‌هیچگونه پیوندی ندارد. این مبارزه البته طولانی، پرنج و دشوار است. حتی این مبارزه هم با فشار و تضییق رژیم روبرو است و روبرو خواهد بود. ولی فقط و فقط چنین مبارزه ایست که میتواند توده‌های وسیع را جلب و تجهیز و متشکل کند. فقط و فقط چنین مبارزه ای است که میتواند بتدریج رژیم را بعقب نشینی واداردوخواست های صنفی و سیاسی یک سازمان دمو-کراتیک و توده ای را بتدریج تحقق بخشد. فقط و فقط چنین مبارزه ایست که میتواند به جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران کمک کند.

وظیفه دانشجویان آگاه و مترقی

دانشجویان آگاه و مترقی، که دارای عقاید سیاسی ومسلکی گوناگون هستند، ولی در مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک دارای وحدت نظرند، میتوانند بخود بالند که طی سالهای گذشته بدون ترس از اتهام و توهین و ناسزا از جانب چپ روها و چپ نما ها و

دنباله در صفحه ۶

همه با هم از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

به ابتکار حزب‌ما، روز ۲۱ اردیبهشت روز شهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و دفاع از آنان اعلام شده است. در اعلامیه‌ای که سال گذشته کمیته مرکزی حزب توده ایران باینمناسبت منتشرنمود گفته شده است: « ما از تمام نیرو ها و عناصری که علیه‌رژیم استبداد شاه میرزمند دعوت میکنیم این روز را بعنوان‌روز زندانیان سیاسی بر گزار کنند و بدینسان یاد کرد از شهادت خسرو را به یك عمل رزم آورانهٔ همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند. » حزب ما پیوسته پیشا پیش همهٔ نیرو ها وظیفه دفاع از زندانیان سیاسی را بر عهده گرفته و در این راه‌لحظه ای هم غفلت نداشته است. اینکه حزب ما دفاع‌از زندانیان‌سیاسی ایران را وظیفهٔ‌ضرور خود میداند،چنانکه کراراً خاطر نشان نموده‌ایم بهیچوجه بمعنای موافقت با عقاید و نظرات همهٔ آنها، موافقت با اعمال واقدامات‌جداگانهٔ این یا آن گروه سیاسی نیست. دفاع ما از زندانیان سیاسی صرفاً بمعنای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم، دفاع از قانون اساسی و اعتراض به قانون شکنی و زور گوئی‌رژیم است. ما در شرایط‌مشخص کنونی خواستار اجرای اعلامیه حقوق بشر و موازین قانون اساسی دربارهٔ حقوق و آزادیهای دمکراتیك هستیم و باینجهت به اقدامات خود سرانهٔ رژیم که حد و مرزی نمیشناسد و کمترین حرمتی برای حقوق و آزادی مردم قائل نیست‌شدیداً معترضیم. اینست‌محتوی دفاع ما از زندانیان سیاسی صرفنظر از آنکه مخالف و یا موافق ما باشند یا نباشند.

بر سرنوشت مردم قانون باید حکومت کند و نه سازمان امنیت

قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، تکلیف حقوق‌و آزادیهای مردم را به تفصیل روشن نموده است. مردم حق دارند آزادانه بیندیشند و احدی را اختیار آن نیست که اندیشه و عقیده مردم را کنترل کند. مردم حق دارند سازمانهای سیاسی و صنفی خودرا بوجود آورند و یا بهر سازمان سیاسی و صنفی که در راه عملی ساختن مطالبات آنان مبارزه کند، بگروند و هیچ دولت و هیچ مقامی حق ندارد مانع وجود سازمانهای‌اصیل صنفی و سیاسی و مانع فعالیت مردم در این سازمانها شود. هر دولتی و هر مقامی که خلاف این عمل کند، همچنانکه رژیم ایران در ۱۸ سال اخیر عمل نموده است، ارادهٔ خود را مافوق قانون قرار داده‌است.

انقلاب مشروطیت ایران آنهمه قربانی داد تاحقوق ارگانهای مقننه، مجریه و قضائیه روشن و متمایز وحقوق مردم محفوظ باشد. حال اگر رژیمی‌وظائف‌وحقوق‌این ارگانهارا مسخ کندویك‌سازمان‌جاسوسی و آدمکشی را بر سرنوشت مردم حاکم سازد که هم نماینده مجلس انتصاب کند و هم قوه مجریه را زیر مهمیز داشته باشد و هم بجای ارگانهای‌قضائی عمل کند و هم حقوق مردم را لگد کوب کند، چنین رژیمی رژیم زور و خود سری است و در چنین شرایطی مردم حق دارند برای حکومت قانون مبارزه کنند.

واکنشهای خشن در برابر خواستهای منطقی

رژیم ایران مایل نیست خود را تابع مقررات و موازین قانونی سازد و بدینجهت در برابر همهٔ خواستها و تقاضا های مردم واکنش های خشن نشان میدهد. نمونه هائی ذکر میکنیم:

اعتراض دانشجویان دانشکده حقوق به برنامهٔ امتحانات‌واعتصاب‌دانشجویان‌دانشگاه ملی به گرانی شهریه موجب دستگیری و زندانی کردن عده‌ای از دانشجویان شد. در حالیکه گرانی شهریه دبیرستانهای دانشگاه ها و بلبشوی برنامهٔ امتحانات دانشکده ها و کنکور ها امری است که حتی سر و صدای روزنامه های دولتی را هم بلند نموده است. دولت بجای رسیدگی و دادن پاسخ منطقی به‌خواستهای‌منطقی‌دانشجویان آنها را بدست مأموران شکنجه‌سپرد و زندانی کرد. پخش اعلامیه اعتراض به سرمایه گذاری امریکا تبها در ایران موجب کشتن مهندس نیك داودی و آیت اله سعیدی در شکنجه گاه های سازمان امنیت شد.

طرح‌خواستهای‌قانونی‌حزب‌توده ایران از جانب اعضاء حزب ما، مجازات تعقیب و شکنجه و تبعید و مرگ در پی دارد. رژیم ایران تحمل هیچ فریاد مخالفی را ندارد.

«شکنجه های‌فوق‌العاده وحشتناك»

شکنجه گاههائی که پس‌از کودتای ۲۸ مردادبرای « گرفتن‌اقرار » اززندانیان‌سیاسی و اجبار آنان به « ابراز ندامت » تهیه شدند همچنان و علی رغم تکذیب سخنگویان رژیم ادامه‌دارد. تمام‌نمایندگان سازمانهای‌بین‌المللی که در چند ساله اخیر به ایران رفته‌اند، به وجود شکنجه درمورد زندانیان سیاسی اشاره کرده‌اند.چند ماه پیش‌یعنی در اسفند ۱۳۴۹ یك وکیل فرانسوی به نمایندگی کمیسیون حقوق بشرو یك وکیل ایتالیائی به نمایندگی انجمن‌بین‌المللی حقوقدانان به تقاضای کنفدراسیون دانشجویان ایرانی برای شرکت در محاکمه گروه ۱۸ نفری فلسطین عازم ایران شدند. آنهاپس‌از مراجعت، طی یك مصاحبه مطبوعاتی پرده‌از جنایات سازمان امنیت‌ایران در مورد زندانیان سیاسی برداشتند. وکیل فرانسوی میگوید. متهمین همگی اظهار کردند که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. چشم یکی از متهمین بنام « کاخساز » بر اثر شکنجه کور شد و وقتی من انگشتم را بطرف چشم او بردم هیچ عکس العملی نشان نداد. در سرش‌جراحتی به عمق چند سانتیمتر وجود داشت هنگام صحبت با او متوجه شدم که تمرکز فکری ندارد و بشدت ضعیف شده است. اودائماًسرش‌راروی‌میز میگذاشت و میگفت قدرت فکر کردن ندارد. بر روی ساق پا ها و زانو های پاك نژاد یکی دیگر ازمتهمان جراحاتی‌وجود داشت و یك گوشش کاملا کر شده بود. وقتی با او صحبت میکردم گوش دیگرش را نزدیك میکرد.

شکراله پاك نژاد بدون بیم از شکنجه گران در دادگاه نظامی جریان شکنجه‌اش را چنین‌توصیف‌میکند: « پس از دستگیری در تاریخ ۱۸دیماه۱۳۴۸ فوراً مرا بسازمان امنیت خرمشهربردند. در آنجا سه نفر بازجو بضرب مشت و لگد مراالخت کرده باصطلاح بازدید بدنی کردند. از ساعت ۸ بعد ازظهر یا یك بعد از نیمه شب بازجوئی توام با مشت و لگد ادامه یافت. فردای آنروز مرا به زندان شهربانی آبادان‌منتقل کرده و دریکی از مستراح های آن زندان محبوس کردند. یك هفته در این مستراح تنها با یك پتوی سربازی بدون لباس روزانه تنها با یك وعده غذا گذرانده‌ام... در بدو ورود به زندان‌اولین بازجوئی همراه با شکنجه شروع شد. بدین ترتیب که دو نفر بناءهای عطا پور مشهور به دکتر حسین زاده و دیگری بیگلری مشهور به مهندس یوسفی با چك و مشت و لگد بجان من‌افتاده قریب یکساعت متوالی مرا زدند. بعد مرا پشت میز نشاندند و ازمن خواستند بنویسم که کمونیست هستم و بکار جاسوسی اشتغال داشته‌ام و چون من امتناع کردم بدستور رضا عطا پور دو نفر درجه‌دار آمده و مرا روی زمین خوابانیدند و با شلاق سیمی سیاه رنگی بجان من افتادند و باتفاق بیگلری بیش از سه ساعت متوالی با شلاق و مشت و لگدمرامیزدند و بترتیب نوبه عوض میکردند و رفع خستگی‌میشودند. در جریان زدن شلاق من دو بار بیهوش شدم. تمام بدنم کبود شده‌و خون از پشت من راه افتاده‌بود. چند بار‌بمن‌دستبند قپانی زده و مرا روی‌چهار پایه قرار داده و وادار کردند یك پایم را در هوا نگه دارم و هر چند دقیقه یکبار با لگد چهار پایه را از زیر پای من پرت کرده و مرا روی زمین می انداختند، روز سوم در اثر کشیده های محکمی که عطا پور بگوش چپ من مینواخت خون از گوش من راه افتاد که منجربه‌پاره‌شدن‌پرده گوش چپ من شده است. گوش‌چپ‌من بکلی قوهٔ شنوائی خود را از دست داده است. »

پاك نژاد ادامه میدهد: « روز سوم ساعت تقریباً ۱۰ بعد از ظهر مرا چشم بسته از سلول‌انفرادی‌زندان وحشتناك اوین‌بیرون کشیده بداخل باغ زندان بردند، در حالیکه چشمهایم بسته بود مرا بجلو میراندند، صدای عطاپور و بیگلری را شنیدم که پچ و پچ میکردند و گاهی می شنیدم که دربارهٔ من حرف میزنند. قار قار کلاغها، سرمای دیماه، درد زخم شلاق ها، درد گوش چپ صدای منحوس عطا پور و بیگلری جلادان ساواك که مرتباً همدیگر را دکتر و مهندس صدا میزدند سخت آزار دهنده بود. مرا بدرخت بستند، صدای پای عده‌ای همراه دستور های خشکی که صادر میشد روشن میکرد که جوخه اعدام را صدا کرده‌اند. عطاپور رأی دادگاه را میخواند: شکراله پاك نژاد بجرم سوء قصد بجان اعلیحضرت همایونی و ارتباط بادولت خارجی باتفاق آرا محکوم به اعدام شده است. بعد دستور داد که جوخه آماده باشد و مرتباً یادآوری‌میکرد که تو در کنار مرز عراق دستگیر شده‌ای‌و کسی از توقیف تو اطلاع ندارد و همه فکر می کنند تو به عراق رفته‌ای و هیچکس از اعدام تو اطلاعی نخواهد یافت. پس از صدای گلنگدن تفنگ ها و پس از صدور فرمان آتش صدائی شنیده شد. پس از چند لحظه پچ پچ عطا پور فریاد زد: این چه وضعیتی است؟ چرا دستور صادر می کنید و بعد لغو میکنید؟ مگر بچه بازیست و با صدای بلند قدری دشنام بمن داد.. مرا از درخت باز کردند... » چنین است شرح بخشی‌از از شکنجه ها که به پاك نژاد داده شده ولی در دفاعیه خود از شکنجه های دیگر مانند کشیدن‌ناخن سبابه چپ و ناخن کوچك‌دست راست نیز یاد میکند.

وکیل فرانسوی « مینبون » در مصاحبه مطبوعاتی شکنجه ها را « فوق العاده وحشتناك » توصیف نمود و گفت یکی از متهمان چندین بار در صدد خودکشی وزدن رگ بر آمده است. این شکنجه های « فوق العاده وحشتناك » هفده سال است که ادامه دارند و دولت ایران در عین ادعای سالوسانهٔ دفاع از اعلامیه حقوق بشر یکی از بزرگترین نقض کنندگان این اعلامیه جهانی است و مأموران عذاب او از جلادان هیتلری تقلید میکنند.

دست نظامی ها از دادگاهها کوتاه

دادگاههای نظامی بر خلاف کلیه موازین قانونی از یك پدیدهٔ استثنائی به یك پدیدهٔ عمومی و دائمی تبدیل شده اند. اینها تمام اختیارات دادگاههای دادگستری را مورد رسیدگی به جرائم سیاسی از آنهاسلب کرده و بخود تخصیص داده اند. از هنگامی که متهم از کوچه و خیابان ربوده میشود تا پای چوبه تیر باران و یا انتقال قطعی بزندان سر و کارش با نظامی هاست. آنها هستند که زندانی سیاسی را بازپرسی میکنند، شکنجه میدهند، پرونده متهم را از مدارك ساختگی و جعلی پر میکنند و در سرحد مرگ و زندگی از او تصدیق و تأییدمیگیرند و بالاخره همین نظامیها هستند که ادعا نامه تنظیم میکنند و سپس بر مسند قضاوت می‌نشینند و بدون کمترین احساس مسئولیت احکام مرگ و حبسهای دراز مدت صادر میکنند. وکلای مدافع نیز که هم نظامی‌اند و هم تسخیری، بندهٔ گوش بفرمان دادستان نظامی اند. هیچ وکیل مدافعی نیست که بتواند آزادانه و با توجه بمسئولیت خطیری که در دفاع از شرف و حیثیت و جان‌مو کلش بر عهدهٔ اوست از متهم دفاع کند و در موارد بکلی استثنائی، از جمله در مورد محاکمه گروه دکتر بازرگان، وکلای مدافعی که

دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

اعدامهای تازه در ایران

آنها در دادگاههای نظامی قریباً آغاز خواهد شد.

حزب توده ایران باین حادثه چگونه برخورد میکند؟ ما قبل از آنکه وارد در ماهیت اینگونه عملیات مسلح، در شرائط کنونی ایران شویم، لازم میدانیم که معاکمه و محکومیت این افراد را که بر خلاف تمام موازین قانونی - حتی قوانین نظامی - در دادگاههای در بسته انجام شده است، قویاً محکوم کنیم. ما با اینگونه محاکمات، و این نحوه برخورد با حوادث - اعم از اینکه با آنها موافق یا مخالف باشیم - شدیداً مخالفیم.

درباره خود حادثه، توضیح بیشتری لازم است. کمیته مرکزی حزب توده ایران در پلنومهای ۱۳ و ۱۴، اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار داد، و نتائج و شعار های مبنی از این بررسی و تحلیل استخراج کرده است. ما معتقد[redacted] که در شرائط کنونی ایران، مقدمات عینی و ذهنی لازم، برای شروع و اجرای موفقیت آمیز اقدامات مسلح، اعم از قیام مسلح یا اقدامات پارتیزانی - وجود ندارد. شعار ما در شرایط کنونی، مبارزه برای احراز آزادیهای دموکراتیک مندرج در قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر است. ما معتقدیم که در شرائط کنونی، هر گونه عمل مسلح بعلت فقدان شرائط انقلابی، عملی است ماجراجویانه، که بطور ناگزیر با شکست روبرو خواهد شد. اینگونه اقدامات، بمقامات حاکمه ایران امکان خواهد داد که فشار خویش را بر توده های مردم تشدید کنند، و عملیات تضییقی خود را در برابر افکار عمومی موجه جلوه گر سازند. ما سالهاست که با چپ روان و گروههای مائوئیستی، در این باره مشغول مباحثه ایم. آنها مفهوم انقلاب اجتماعی را که کامیا[redacted] آن وابسته به پشتیبانی و شرکت توده های وسیع مردم است، تحریف میکنند. در نظر آنها عمل انقلابی، یعنی فقط عمل مسلح و عمل مسلح، وظیفه ایست که بطور مبرم، بدون توجه بشرائط عینی و ذهنی اجتماعی، در برابر افراد انقلابی قرار دارد. ما اینگونه برخورد را یک برخورد ضد مارکسیستی، آنارشیستی و مخالف منافع انقلاب ایران میدانیم. کسانیکه به مساله انقلاب اینگونه برخورد می کنند - صرفنظر از انگیزه درونیشان - بطور عینی، به امر انقلاب ایران صدمه می زنند. گردانندگان گروههای مائوئیست و آنارشیست، بمناسبت خونهائی که در راه اندرست بر زمین ریخته میشود. در برابر خانواده هائی که کسان خویش را از دست میدهند، مسئولیت سنگین دارند.

ما همیشه گفته ایم و باز تکرار می کنیم، انقلاب بازی نیست. عمل انقلابی را با عمل مسلح نباید اشتباه کرد. ممکن است که در جریان مبارزه اجتماعی، در لحظه معین توسل بسلاح لازم باشد. در اینصورت باید بیدرنگ سلاح بدست گرفت و بمیدان مبارزه رفت.

ولی مشتبه کردن عمل انقلابی با عمل مسلح، و تبدیل مبارزه اجتماعی، به مبارزه یک گروه زبدهٔ مسلح، شیوه ایست که هرگز مورد قبول مارکسیست ها نبوده است و نیست.

بعد از چندین سال تبلیغ و تهییج، اکنون اولین نتائج راه ماجراجویانه ای که گردانندگان گروههای مائوئیست و آنارشیست در پیش گرفته اند آشکار میشود. جوانان شجاع و شرافتمندی که سحرگاه ۲۶ اسفند در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند قربانیان گردانندگان منحرف و مسئولیت ناشناس این گروههاهستند. این گردانندگان بخواهند یا نخواهند، بطور عینی به مقاصد ارتجاعی و ضد دموکراتیک مقامات حاکمه ایران خدمت می کنند، اینها به مقامات حاکمه ایران امکان میدهند، که بزور اسلحه، سکوت قبرستان را در کشور تشدید کنند. به سازمان امنیت وسیله میدهند که تمام مخالفین دولت را صرفنظر از شیوه تفکرشان، مورد تجاوز و تعدی قرار دهد.

حزب توده ایران بنا بمسؤلیت سیاسی و اجتماعی خود در قبال مردم ایران، لازم میداند به همه آنها که شور آزادی در سر دارند هشدار دهد و آنها را از راهی که مائوئیست ها و آنارشیست ها در برابرشان میگذارند برحذر دارد. این راه، راه انقلاب ایران نیست. این راه، راه پیروزی نیست. این راه شکست و تعویق پیروزی است.

و اما مقامات حاکمه ایران باید بدانند که این سیاست ضد دموکراتیک آنها است که محمل اینگونه اقدامات ناسنجیده و ماجراجویانه است. تا وقتیکه در ایران، بجای قانون، زور حکمفرماست، باید هر لحظه در انتظار اینگونه اقدامات بود، توده های مردم ما، تشنه آزادی و عدالت اجتماعی هستند. آنها نمیتوانند بیش از این، تعدی و تجاوز بحقوق قانونی خود را حقوقی که در قانون اساسی ایران هم مصرح است - تحمل کنند و خاموش بمانند.

ما از همه مردم ترقیخواه و میهن پرست ایران، مخصوصاً از روشنفکران که نخستین قربانیان مائوئیست ها و آنارشیست ها هستند، طلب می کنیم که به ندای حزب توده ایران که ندای مبارزه واقعاً انقلابی، ندای مبارزه واقعاً مثبت و مؤثر در راه تحول بنیادی جامعه است، گوش فرا دهند. حزب توده ایران سابقهٔ سی سال مبارزه انقلابی دارد. حزب ما بهترین فرزندان خود را در راه تحقق ایدالهای اجتماعی - سیاسی خود از دست داده است. حزب ما، خودرا در برابر زحمتکشان ایران و تاریخ ایران مسئول میداند. با توجه عمیق به این مسئولیت اجتماعی و سیاسی است که ما مبارزه در راه تحقق آزادیهای دموکراتیک را در رأس شعار های خود در این مرحله مبارزه قرار داده ایم. این تنها شعار صحیح در این مرحله است.

مصاحبه ۱۵ فروردین مقامات امنیتی، نشان داد که اکنون جان ۵۰ نفر دیگر، که در دیماه گذشته دستگیر شده اند، مورد مخاطره جدی است. وظیفه تمام افراد شریف و میهن پرست ایرانی است که برای نجات جان آنها اقدام کنند. مخالفت با اقداماتی که مقامات امنیتی باین افراد نسبت میدهند، بهیچوجه نباید مانع مبارزه جدی برای نجات جان آنها از مخاطره گردد. محاکمه در دادگاههای دربسته نظامی، و حبس و اعدام غیر قانونی افراد امریست که باید آنرا قویاً محکوم کرد. باید افکار عمومی جهان را برای نجات جان زندانیان بسیج نمود.

رامین

دنباله از صفحه ۱

سخنرانی های رفیق ایرج اسکندری

نیست اتحاد شوروی را که توسط رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ایراد شد و نیز سخنرانیهای نمایندگان دیگر کنگره را با نهایت دقت استماع کردیم. سخنرانی عمیق و مؤثر رفیق برژنف و دورنماهای الهام بخشی که این کنگره برای ارتقاء بیش از پیش سطح زندگی و فرهنگ مردم شوروی میگشاید و تقویت بیش ازپیش اقتدار اتحاد شوروی بتمام ملل جهان و به کلیه مبارزان راه صلح، آزادی، استقلال ملی و سوسیالیسم نیرو و اطمینان تازه ای می بخشد و ایمان آنانرا به حقانیت آرمانهائی که حزب لنین در زادگاه اکتبر بزرگ بآنها جامه عمل پوشانده است تحکیم میکند. (کف زدن حضار)

جامعه ترقیخواه بشری با احساس خرسندی کامل تحقق درخشان قرارها و پیشبینی های کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی را مشاهده میکند. تمام سیر حوادث جهانی در فاصله میان کنگره بیست وسوم و کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی مؤید کامل صحت وظایف مطروحه و مشی عمومی متخذه حزب و دولت شوروی است که هدف آن تأمین شرایط بین المللی مساعد برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، تأمین وحدت کشور های سوسیالیستی و تحکیم دوستی و همکاری برادرانه میان آنها، پشتیبانی قاطع از جنبش های آزادیبخش ملی، همکاری هرچه وسیعتر با کشور های در حال رشد، دفاع پیگیر از اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون، مقابله قاطع با سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و مصون داشتن جامعه بشری از بروز جنگ جهانی جدید است.

اجرای دقیق و بی خدشه این سیاست لنینی مواضع بین المللی کشور شورا ها را تحکیم بخشید و در تقویت اتحاد کشور های سوسیالیستی و تمام نیرو های ضد امپریالیستی نقش عظیم ایفا کرد. در عین حال اجرای این سیاست نقش پیشاهنگ اتحاد شوروی را در مبارزه برای صلح و حفظ امنیت بین المللی در قبال سیاست تجاوزکارانه و ماجراجویانه امپریالیسم بیش از پیش افزایش داده است. هم اکنون در نتیجه پشتیبانی قاطع و کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی نقشه های امپریالیسم امریکا در منطقه هندوچین و نقشه های نیروهای تجاوزکار صهیونیستی اسرائیل و حامیان امریکائی و انگلیسی آنان عقیم مانده است.

کامیابیهای جدیدی که در پرتو سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز در زمینه رشد و تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی میان اتحاد شوروی و کشور های در حال رشد آسیا و افریقا و امریکای لاتین و از جمله در میهن ما ایران بدست آمده است بنوبه خود نقش مهمی در تحکیم استقلال این کشور ها داشته و بر استعداد مقاومت آنان در قبال سیاست غارتگرانه نو استعماری امپریالیسم افزوده است. تأثیر مثبت این سیاست لنینی در وضع اقتصادی و سیاسی کشورما سال بسال روشنتر میشود...

حزب توده ایران کامیابی کامل کنگرهٔ بزرگ شما را صمیمانه خواستار است و پیروزیهای برجسته ای را که در عرصه های زندگی مادی و فرهنگی اتحاد شوروی بدست آمده است بتمام ملل اتحاد شوروی و به کلیهٔ کمونیست های کشور شما برادرانه تبریک میگوید».

رفیق اسکندری در دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان پس از ابلاغ درود های گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب ما به حزب کمونیست و خلق بلغارستان و توصیف پیروزیهای درخشان خلق بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم چنین گفت:

«مبارزه مردم ایران در راه ترقی، استقلال ملی و دموکراسی اکنون درشرایط بسیار بغرنجی انجام میگیرد. علیرغم تغییرات مثبتی که در جهت از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و عقب ماندگی اقتصادی کشور روی داده است، فقر، بینوائی و فشار همچنان هنوز سرنوشت مردم زحمتکش کشورماست.

زمامداران کشور ما که درمان عقب ماندگی کشور ما را در این دیده اند که روند تسلط مناسبات تولید سرمایه داری را تشدید نمایند، میخواهند خود سرانه دستگاه نیمه فئودالی و ضد دموکراتیک حکومت را همچنان حفظ کنند و تضاد آشکاری را که از اینراه بوجود میآید با زور و بوسیلهٔ خشن ترین اقدامات تضییقی حفظ نمایند.

بهمین جهت است که حزب توده ایران درعین اینکه از اقدامات ترقیخواهانه بمنظور از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میشود پشتیبانی میکند، با قاطعیت ترور پلیسی و شکل استبدادی و ضد دموکراتیک حکومت را میکوبد و برای استقرار مجدد آزادیهای دموکراتیکی که در قانون اساسی پیش بینی شده و از جمله برای حق حزب ما و سایر سازمانهای دموکراتیک در بدست آوردن فعالیت قانونی در کادر قانون اساسی کنونی ایران مبارزه میکند تا بتوان باتفاق تمام نیروهای ترقیخواه ایران در راه رشد غیر سرمایه داری، مستقل و دموکراتیک کشور مبارزه نمود.»

فشار بر ترقیخواهان عراق

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب ما پرده از فشار های بیرحمانه‌ای که اکنون از طرف دولت عراق به رهبران و اعضاء حزب کمونیست و سایر ترقیخواهان این کشور وارد میشود برداشته است. کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، از حزب ما و سایر احزاب برادر طلب کرده است، که بمنظور پایان دادن باین فشار های غیر انسانی، به دولت عراق اعتراض کنند و از آن بخواهند که دست از سیاست خشن و بیرحمانه خود بردارد و حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم این کشور را محترم شمرد.

ما اکنون ضمن انتشار بخشی از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق لازم میدانیم مراتب همدردی و تعاون صمیمانه خودرا با این حزب برادر که در شرائطی دشوار با نهایت فداکاری برای تحقق ایدالهای بزرگ خود مبارزه میکند ابراز داریم. تاریخ حزب کمونیست عراق، مشحون از فداکاریهای قهرمانانه در راه تأمین حاکمیت و استقلال ملی عراق و استقرار آزادی و دموکراسی در آنکشورست. این حزب در جریان مبارزه دشوار خویش، هزارها قربانی داده است. ارتجاع عراق، به رهبری نوری سعید سالیان دراز این حزب قهرمان را مورد شدیدترین فشار ها قرار داد. بعدازانقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ چندسالی این حزب در شرائط بالنسبه امن تری به مبارزه خویش ادامه داد. ولی کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ حزب بعث، سر آغاز هجوم وحشیانه جدیدی بر ضد این حزب بود. از آن پس نیز، دولت هائی که یکی بعد از دیگری در عراق بحکومت رسیده‌اند، هر یك بدستاویزی، به اعمال فشار بر حزب کمونیست عراق ادامه داده‌اند. نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق نشان میدهد که این فشار هم اکنون نیز ادامه دارد و رهبران حزب بعث، علیرغم تمام وعده های خود، دست از سیاست قدیم خویش بر نداشته اند. ما باین اقدامات جابرانه بر ضد حزب کمونیست برادر عراق شدیداً اعتراض مینمائیم و از دولت عراق طلب میکنیم که به اقدامات غیرقانونی خود بر ضد حزب کمونیست پایان دهد. اعمال فشار برحزب کمونیست عراق، چیزی جز آب بآسیاب امپریالیسم، ارتجاع وصهیونیسم ریختن نیست. نمیتوان هم مدعی مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بود و هم سرسخت ترین مبارزان این راه را سر به نیست کرد.

اینك بخشی از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق خطاب به‌کمیته مرکزی حزب ما:

❀ ❀ ❀

رفقای‌عزیز چندماه پیش جریان توقیف رفقا خدوم الجاسیم و عزیز حامد را باطلاع شما رساندیم. اینها دو تن از مسئولین حزب کمونیست عراق بودند. ما تمام کوششهای ممکن را برای‌نجات جان آنها بعمل آوردیم. رهبران حزب‌بعث‌وقبل از همه رئیس‌جمهوری احمد حسن البکر بما قول داده بودند که آنها زنده‌اند و آزاد خواهند شد.

اکنون با نهایت تأثر و تألم اطلاع یافته‌ایم که این دو رفیق زیر شکنجه های غیر انسانی، جسمی و روحی، جان سپرده‌اند. دولت بوسیله وزیر دادگستری با خانواده‌های رفقا الجاسیم و حامد تماس گرفته و بآنها پیشنهاد کرده‌است که‌غرامت مرگ کسان خود را باز ستانند. به خانوده های آنها گفته‌اند که دولت نتوانسته است رفقا الجاسیم و حامد را در هیچیك‌از زندانها پیدا کند. دولت در عین‌حال‌خانواده‌های‌این رفقا را زیر فشار گذاشته است که غرامت پیشنهادی آن را بپذیرند. سرنوشت سایر مبارزان ترقیخواه نیزازهمین‌قبیل‌است. مجید عباش و مشکور مطرود دو نفر دیگر از رفقای ما در سیاه‌چالهای‌مقامات امنیتی ناپدید شدند. خانواده های این رفقا نیز مانند خانواده‌های آن دو رفیق‌دیگر،مورد فشار قرار گرفته‌اند.

رفیق الجاسیم دبیر کمیته حزبی‌ما در منطقه فرات بود. او بیست سال سابقه حزبی داشت. او از فعالین جنبش دهقانی بود و دهقانان منطقه خویش را سازمان میداد و رهبری میکرد. او محبوب دهقانان و رهبر و مشاور آنها بود.

رفیق حامددراوائل‌سالهای پنجاه‌بحزب پیوست. او در بلغارستان تحصیل کرد و در انستیتوی اقتصاد کارل مارکس (دانشگاه صوفیه) فارغ التحصیل شده بود. او از رهبران جنبش دانشجوئی عراق در بلغارستان بود.بعد از اینکه بعراق برگشت بلا فاصله بعنوان یك کادر حرفه‌ای خودرا در اختیار حزب گذاشت. باو مأموریت های‌مهمی محول گردید.

چاپ سوم آخرین دفاع

خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۳۷) منتشر شد

یادی از نویسنده بزرگ ایران

صادق هدایت

بمناسبت بیستمین سالگرد مرگ غم انگیز صادق هدایت که در ۱۹ فروردین ۱۳۲۰ دور از میهن در شهر پاریس روی داده وظیفه داریم‌از این بزرگترین نویسنده دوران اخیر کشورمان‌یاد کنیم. اینك پس از بیست سال که از مرگ هدایت میگذرد وی دیگر آن نویسنده محجوبی نیست که که زمانی در خموشی گمنامی میزیست و مینوشت و جمع کوچکی از یاران و خاصان او از قدرتمندی‌قریحه شگرفش با خبر بودند بلکه یك نام جهانیست. در بسیاری از کشور های جهان و از آنجمله در کشور های سوسیالیستی بسیاری از آثار او ترجمه شده، نامش در دایره المعارف ها راه یافته تك نگار های تفصیلی دربارهٔ زندگی و آفرینش هنریش نگاشته شده است. در میهن ما نام هدایت بلند آوازه است ودر اطراف این نام بزرگ و این شخصیت ویژه و متناقض بانك آفرین‌نفرین فرو نمینشیند ولی یك چیز مسلم است و آن اینکه هدایت جای محکمی در ادبیات، در دلها ودر مغز ها احراز کرده و بیك عنصر ضرور در تمدن ما و بیك مفهوم جاوید در ادبیات ما بدل شده است.

صادق هدایت بهمراه کارگردان و هنرپیشه معروف عبدالحسین نوشین و شاعر نو آورنیما یوشیج‌جزء‌آن‌هنرمندان‌راه‌گشائی هستند که در دوران دشوار استبداد و تسلط اهریمنی امپریالیسم‌در یك جامعه آسیائی‌عقب مانده با تمام رنجها و خون دل خوردنهائیکه زندگی‌در یك‌چنین محیط بناچار پدید میآورد با غروروشایستگی کوشیدندتاجامعه‌وفرهنگ ایرانرا در مسیر مترقی و دموکراتیك بجلو برند. هدایت نه فقط نویسنده‌ای بزرگ‌بلکه پژوهنده‌ای معتبر و ارزنده در رشته زبان و تاریخ ایران و یکی از بنیاد گزاران‌تحقیقات فولکلوریك در کشور ماست، هم آثار هنری هدایت و هم آثار تحقیقی او در مقام والائی است.

دربارهٔ آثار هنری هدایت که در اطراف آن در گذشته بارها جار و جنجال فراوانی براه افتاده است باید گفت که این آثار صرفنظر از ارزش بلاتردید هنری آن از جهت سمت و محتوی اجتماعی خودپیوسته یکسان‌نیست. مسلماًهیچ اثر هدایت رانمیتوان یافت که درآن اناندوستی ژرف اومنعکس نباشد ولی در همهٔ این آثار روح رزمندگی و امید بآینده و بانسان بآن سطحی نیست که مثلا در آثاری مانند آب زندگی و حاج آقا و نظیر آنها منعکس شده است.

هدایت یکی از دوستان و هواداران حزب ما بود واین روحیه را تا آخر زندگی خویش حفظ کرد. حزب ما نیز از نخستین نیرو های اجتماعی‌بود که‌ویرا بدرستی شناخت و ارزیابی کرد و کوشید او را چنانکه‌هست بشناساند، از نخستین نیرو های اجتماعی بود که پس از در گذشت هدایت از وی بمثابه یکی از بزرگان تاریخ ادب و هنر ایران تجلیل بعمل آورد.

ارتبه ادبی و علمی هدایت در تکامل بعدی ادب ایران تأثیر عمیق داشته و خواهد داشت. هدایت آغاز گر یك مرحلهٔ نوین تکامل در زبان ادبی و چهره پردازی هنری در ایران است. قریحهٔ حساس نیرومند، و ژرف او دارای رنگ خاص ایرانی است و شخصیتهائی مانند خیام وحافظ را بیاد میآورد. طنز ظریف و عمیق هنری او، دامنه فلسفی اندیشه های او، دقت تحلیل روانی او کما کان در ادبیات معاصر بدون همتا و رقیب‌مانده است. در مکتب او نسل نوینی از هنرمندان پرورش یافته و میابند.

محافل ارتجاعی کوشیده‌اندو در آینده نیز خواهند کوشید هدایت را که دشمن سر سخت‌ستمهاو فرومایگی ها بود کوچ کنند و در اطراف او هیاهوی تحقیر کننده براه اندازند. ولی هدایت که اینك دیگر نیروی معنوی بزرگی‌در تاریخ فرهنگ ایران است از دشمنان‌و بدخواهان ناچیز خویش بمراتب نیرومند ترست. طنزهدایت، فکر هدایت هنر هدایت کما کان ستم گری‌ها فرو مایگی ها را خواهد کوفت وروانها را بطغیان و عصیان‌علیه ستمگران و فرومایگان فرا خواهد خواند.

بآثار هدایت باید بمثابه محصول هنری یك دوران که دارای تناقضات و ویژگیهای خود بود نگریست و آنرا بدرستی تحلیل کرد و بدرستی دریافت. برخی از اندیشه های هدایت برای رزمندگان اجتماعی در خوردقبول‌نیست،ولی‌این اندیشه های پراکندهٔ هدایت‌نیست که‌روح واقعی‌هدایت‌وآثار او را بوجود میآورد، روح او روح سر کش رام نشدنی و طوفانگر یك انسان بزرگوار‌ما‌ومردم دوست و میهن پرست است که علاوه برحربه های دیگر گاه نیز با حربهٔ یاس و یا با حربهٔ طنز واقعیت ناپسند و کریه پیرامون خود را کوبیده است.هدایت‌هیچگاه در کنار دشمنان خلق نبوده و هیچگاه کار پر تعب و پر شور بخاطر ایران و فرهنگ آنرا از یاد نبرد. هیچگاه تسلیم زرق و برق قدرت استبداد و فساد و خرافه نشده و امروز پس از ۲۰ سال که از مرگ این نویسنده سترك میگذرد تابش شخصیت‌اوازهمیشه خیره کننده ترست.

ا. سپهر

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden